

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

چریکهای فدائی خلق ایران
۲۸ اکتوبر ۲۰۱۸

گزارش سیاسی مرکزیت چریکهای فدائی خلق ایران به نشست وسیع تشکیلاتی سازمان

رفقاء!

با درود های انقلابی!

نشست وسیع تشکیلاتی ما در شرایطی برگزار می شود که روزی نیست که شاهد بیخاستن کارگران و توده های ستمدیده در گوشه ای از کشور نباشیم. اگر دیروز شاهد شورش مردم کازرون بودیم ، امروز اهالی بوشهر و برازجان به خیابانها ریخته اند و بدون شک به حکم شرایط عینی و روحیه مبارزاتی ای که توده ها را فرا گرفته، فردا شاهد شورش های بزرگ و کوچک دیگری در هر گوشه این فلات خونین خواهیم بود. به واقع بعد از خیزش ده روزه دی ماه سال قبل که در بیش از صد شهر کشور رخ داد، به رغم اینکه این خیزش بزرگ توده ای سرکوب شد، اما چون مطالبات بر حق مردم در این حرکت بزرگ مبارزاتی که در شعار هائی همچون "کار، نان و آزادی" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" فریاد زده می شد، متحقق نشد و شرایط مادی ای که چنین خیزشی را سبب شده بود دست نخورده باقی ماند، شورش های مردمی و اعتراضات خیابانی تداوم یافت و هنوز هم گاه و بیگاه در این شهر یا آن منطقه شعله بر کشیده و نظم ظالمانه حاکم را به مصاف می طلبد. این واقعیت خبر از آتش زیر خاکستری در جامعه می دهد که حتی نسیمی نیز ممکن است آن را شعله ور سازد.

خیزش دی ماه و شورش های مردمی بعدی و مبارزات بی وقفه ای که هم اکنون در هر گوشه از کشور جریان دارد، به روشنی انعکاس بحران بزرگی است که سرپای نظام سرمایه داری وابسته حاکم را فراگرفته است؛ و درست بر زمینه این بحران فقر و فلاکت کارگران و توده های ستمدیده شدت و ابعادی باورنکردنی یافته است. تنها کافی است، توجه کنیم که در طی چند روز اخیر پول ملی کشور ، حدود نیمی از ارزش خود را از دست داد. شکی نیست که این امر فقر و فاقه توده ها را فزونی بخشیده و بخش بزرگتری از مردم را در قعر مرداب گرسنگی پرتاب می نماید. این واقعیت یعنی فقر و گرسنگی و بیکاری و بیخانمانی ، شرایطی را سبب شده که تقابل آشکار لشکر گرسنگان با "مرفهین بی درد" یکی از وجوه مشخصه آن می باشد. از یک سو کارگران و زحمتکشان در ابعاد میلیونی در فقر و فلاکت بسر می برند و محتاج لقمه ای نان و جرعه ای آب هستند و در سوی دیگر میلیاردر هائی که در ناز و نعمت

بسر برده و نورچشمی هایشان با ماشین هائی با آخرین مدل های موجود در بازار - با قیمت های سرسام آور میلیاردی - در خیابانهای شهر ها در مقابل چشمان گرسنه بی چیزان ، ویراژ می دهند. این واقعیت که انعکاسی از شکاف طبقاتی موجود در جامعه می باشد، در شرایطی که سرمایه داران از پرداخت همه دستمزد ناچیز کارگران هم اجتناب می کنند و در همین حال همگان شاهد دزدی های میلیاردی گماشته گان قدرت می باشند - که گاه و بیگاه در رسانه های دولتی نیز منعکس می شود - خشم و نفرت تهیدستان را از رژیم سرکوبگر حاکم فزونی می بخشد. در شرایطی که کارد به استخوان رنجبران رسیده و جمهوری اسلامی زبانی جز زبان زور نمی شناسد و توده ها هیچ چشم اندازی در راستای بهبود اوضاع در مقابل خود نمی بینند، این خشم و نفرت باعث شکل گیری اعتراضات توده ای بطور روزمره در چهار گوشه کشور می گردد که خود زمینه ساز شورش های مردمی بعدی است.

با توجه به اهمیت خیزش قهرمانانه دی ماه که یکی از نقاط عطف تاریخ مبارزاتی کارگران و ستمدیدگان کشور ما را رقم زد، ضروری است که در همین جا به چند دستاورد این خیزش تاکید کنیم. توده های بپاخاسته در جریان تظاهرات و قیام های توده ای خود با سر دادن شعار "اصلاح طلب، اصول گرا ، دیگه تمامه ماجرا" عملا بر گفتمان اصلاح طلبی که دیکتاتوری حاکم از زمان خاتمی (دوم خرداد ۱۳۷۶) و در چهارچوب "پروژه کلان اصلاحات" سال ها بود آن را در سطح جامعه تبلیغ کرده و عملا به گفتمان غالب بدل نموده بود، نقطه پایانی گذاشتند. در این گفتمان که حتی بخش هائی از اپوزیسیون رژیم را هم تحت تاثیر خود قرار داده بود، با تبلیغ مبارزه مسالمت آمیز و نافرمانی مدنی و انتخابات آزاد و ارجحیت صندوق رای بر قهر انقلابی، در شرایط یکه تازی جمهوری اسلامی، تلاش می شد تا مبارزات مردم را در محدوده تضاد های درونی طبقه حاکمه محدود و به هرز ببرند. بنابراین، مخالفت با خشونت و قهر انقلابی در مبارزه با جمهوری اسلامی ، آن هم در شرایطی که دیکتاتوری حاکم زبانی جز زبان زور نمی شناسد، از مشخصه های گفتمان اصلاح طلبی بود که بطور طبیعی ایزوله کردن نیرو های سرنگونی طلب معتقد به اعمال قهر انقلابی را هدف خود قرار داده بود. ورشکستگی این گفتمان در جریان خیزش دی ماه که توده های بپاخاسته همه جناح های طبقه حاکمه را آماج حملات خود قرار دادند ، عملا در مقابل چشم همگان قرار گرفت و به این ترتیب توده های انقلابی ایران، مهر تأیید بر شعار سازمان ما مبنی بر "جمهوری اسلامی ، با هر جناح و دسته ، نابود باید گردد" زدند. محتوای این شعار سازمان ما در جریان قیام های توده ای در دی ماه به شکل های گوناگون از زبان توده های به پا خاسته ، بار ها فریاد زده شد. دستاورد مهم دیگر این است که با توجه به قهری که توده ها در جریان قیام های دی ماه در برخی از شهرها و مبارزات بعد از آن نشان دادند، عملا و بطور توده ای یک بار دیگر بر نادرستی تبلیغات رژیم حاکم و هموایانش در اپوزیسیون مبنی بر نادرستی قهر انقلابی در مبارزه با جمهوری اسلامی ، تأکید شد. توسل به قهر برای نابودی دشمن توسط توده ها نشان داد که کارگران و زحمتکشان ایران که بخش اصلی شرکت کنندگان قیام های توده ای دی ماه را تشکیل می دادند، به طور غریزی ضرورت و درستی اعمال قهر و مبارزه مسلحانه ای که از سوی سازمان ما تبلیغ می شود را کاملا درک می کنند و هر جا که بتوانند به آن عمل می کنند.

بنابراین ، خیزش دی ماه با توجه به خط بطلانی که بر جریان اصلاح طلبی - با همه اهداف و روشهای ذاتی آن - کشید و بار دیگر ضرورت اعمال قهر انقلابی جهت رهائی از شر جمهوری اسلامی را به جلوی صحنه مبارزه مردم ما آورد، نقشی بزرگ در پیشبرد مبارزه جهت سرنگونی جمهوری اسلامی ، به مثابه کانال اصلی نفوذ امپریالیسم در ایران و مانع اصلی رسیدن مردم ما به آزادی ایفاء نمود.

از سوی دیگر خیزش دی ماه و اعتراضات متعاقب آن ، تو دهنی بزرگی بر تبلیغات دستگاه حاکمه مبنی بر پایگاه مردمی داشتن جمهوری اسلامی زد. همگان در جریان این خیزش شاهد بودند که چگونه توده های بپاخاسته همه

مراکز تبلیغ و سرکوب رژیم را آماج حمله خود قرار داده و پوستر های خامنه ای یعنی رأس دیکتاتوری حاکم را به آتش کشیدند. جمهوری اسلامی در هر انتخاباتی با خرج میلیارد ها تومان و توسل به ترفندهای مختلف می کوشید، سلطه خود را نتیجه آراء مردم جلوه دهد. اما مردم در کف خیابان با فریاد مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی به روشنی نشان دادند که این رژیم فاقد هر گونه مشروعیت مردمی است. همچنین تداوم مبارزات مردم از دی ماه ۹۶ تا کنون (که این گزارش نوشته می شود) به روشنی نشان داده که جمهوری اسلامی نه تنها فاقد هرگونه مشروعیت مردمی است بلکه رژیمی پوسیده و فرتوت است که فساد و بحران سر تا پای وجودش را فراگرفته و حتی قادر به پاسخگویی به کوچکترین معضل و مطالبه مردم نمی باشد. به رغم این واقعیت، این رژیم هنوز پا برجاست چرا که وابستگی به قدرتهای امپریالیستی و سرکوب هر صدای آزادیخواهی عامل بقای آن می باشد. تجربه نزدیک به چهل سال گذشته دو واقعیت را به روشنی نشان داده است. اول این که، جمهوری اسلامی در حالی که با اجرای سیاست های امپریالیستی در ایران، مردم ما را در فقر غوطه ور ساخته، اما میلیارد ها تومان صرف سازماندهی نیروی سرکوب خود نموده و در عمل هم نشان داده است که هیچ ابائی از استفاده از آن و توسل به سرکوب وحشیانه مبارزات توده ها ندارد. با توسل به این وسیله در چهل سال گذشته رژیم توانسته است با سرکوب هر صدای آزادیخواهی، از سازمانیابی کارگران و توده های ستمدیده و نیرو های انقلابی و سیاسی جلوگیری کرده و نگذارد رهبری انقلابی مورد نیاز هدایت مبارزات مردمی در جامعه ما، شکل بگیرد. این واقعیتی است که در جریان خیزش دی ماه نیز به عینه خود را به نمایش گذاشت. ثانیاً تجربه نزدیک به چهل سال گذشته نشان داده که آنچه که در تبلیغات جمهوری اسلامی، شیطان بزرگ نامیده می شود، عملاً فرشته رحمت این رژیم بوده و به رغم همه موش و گربه بازی هائی که شاهد بوده ایم، در سر هر بزنگاهی این فرشته رحمت (امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم امریکا) به داد دیکتاتوری حاکم رسیده است. چرا که این رژیم مزدور علاوه بر باز گذاشتن دست امپریالیستها برای غارت منابع و ثروت های ایران و استثمار نیروی کار کارگران ما، در جهت اجرای سیاست های اربابان خود در منطقه و جهان از هیچ اقدامی کوتاهی نکرده است. در راستای این سیاست خارجی، جمهوری اسلامی، کشور را وارد ماجراجویی هائی در سوریه و عراق و یمن و ... کرده است که اثرات آن جدا از تشدید فقر و فلاکت برای مردم ما ایجاد خطرات احتمالی بزرگی چون زمینه سازی برای جنگهای ارتجاعی در آینده می باشد.

نکته مهم دیگر این است که اجرای سیاست های امپریالیستی در خاورمیانه و مناطق دیگر در شرایطی است که تبلیغات رسانه های غربی و دولت های امپریالیستی، خود را مخالف اقدامات جنگی جمهوری اسلامی قلمداد کرده و این سیاست را به حساب جاه طلبی های منطقه ای این رژیم و اقداماتی که ثبات منطقه را به خطر می اندازد، می گذارند. حتی ترمپ، رئیس جمهور ایالات متحده امریکا به اصطلاح جاه طلبی های این رژیم را یکی از دلایل خروج از برجام و اعمال تحریم های جدید علیه ایران قلمداد نمود. متأسفانه برخی از نیرو های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی نیز با هویت مستقل دادن به رژیم جمهوری اسلامی و انکار وابستگی این رژیم به امپریالیسم، تحلیل های رسانه های امپریالیستی را تکرار کرده و بسته به سیستم فکری و ایدئولوژیکی خود با رنگ و لعاب خاصی به تئوریزه کردن ادعای دروغین رسانه های مزبور می پردازند. در حالی که اتفاقاً این سیاست، یعنی نقش جمهوری اسلامی در تنش های منطقه، درست انعکاسی از وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم بوده و بدون درک این وابستگی، هیچ نیروئی قادر به درک و تحلیل درست این سیاست نمی باشد. تنها کافی است بر این اصل تکیه کنیم که جنگ، ادامه سیاست و سیاست بیان فشرده اقتصاد می باشد. آیا تحلیل های نیروهای سیاسی ای که به ماهیت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اعتراف نمی کنند، قادرند نشان دهند، که اقتصاد بحران زده و ورشکسته جمهوری اسلامی از جنگ

مثلاً در سوریه و لبنان و میلیاردها دلار هزینه ای که به پای این جنگها می ریزد، چه سودی می برد؟ مثلاً در مورد امپریالیستهای امریکا و روسیه که در جنگ سوریه دخیلند، با روشنی می توان گفت که جدا از همه منافعی که این دخالت برایشان دارد، هر یک از آنها از جمله در صدد تسلط هر چه بیشتر بر بازار این کشور هستند. اما در مورد ایران، اقتصادی که خودش به میلیارد ها دلار واردات سالانه از بازار های جهانی وابسته است و طبقه حاکمه در آن قادر به تامین بازار های داخلی نیست، چگونه می خواهد با سلطه بر بازار مثلاً سوریه، بورژوازی ایران را به نان و نوا برساند؟ آنهم در شرایطی که پای قدرت های امپریالیستی چون امریکا و روسیه در آنجا در میان است و سوریه به گرهگاه تضادها و رقابت های امپریالیستی تبدیل شده است. همانطور که سازمان ما همواره تاکید نموده است، اگر جنگ برای یک کشور مستقل و متکی بخود امکانی ایجاد می کند که تمام امکانات اقتصادی خود را مطابق با نیازهای جنگ سازماندهی کند و با به کار گرفتن همه قوای مولده یک کشور در جهت برآوردن نیازهای جنگی در همان حال به بیکاری و رکود اقتصادی در کشور خود خاتمه دهد، اما در یک اقتصاد وابسته جنگ درست بر خلاف این عمل می کند و بلافاصله باعث توقف نسبتاً کامل تولید داخلی، بیکاری و افزایش فقر و فاقه می شود. این واقعیتی است که امروز ما به عینه در کشور خود با آن مواجهیم و شاهدیم که دخالتهای جمهوری اسلامی در جنگ های سوریه و عراق و یمن و ... چگونه منابع مالی کشور را بلعیده و بحران اقتصادی نظام حاکم را تشدید نموده است، بحرانی که رکود و تورم توأمان از ویژگی های آن بوده و توقف تولید، بیکاری کمرشکنی را بر کارگران تحمیل نموده است.

واقعیت این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم وابسته به امپریالیسم درست به دلیل همین وابستگی، انعکاس و ادامه سیاست خارجی امپریالیسم بوده و در این راستا قابل فهم می باشد. به همین دلیل برای فهم ماجراجویی های جمهوری اسلامی در منطقه، باید دانست که امپریالیستها و به خصوص امپریالیسم امریکا برای فائق آمدن بر بحرانی که اقتصادشان را فرا گرفته هر چه بیشتر به میلیتاریسم و تقویت صنایع نظامی خود روی آورده اند و این سیاست بطور الزامی نیاز به تشنج و جنگ را در مقابل آنها قرار می دهد. به همین خاطر هم هست که ما شاهد جنگهای افغانستان، عراق، لیبی و سوریه و ... و عروج و افول داعش بوده و هستیم. این جنگها به اقتصاد بحران زده امپریالیستها امکان داد که میلیاردها دلار صرف تسلیحات نظامی کرده و با فروش تجهیزات نظامی به کشورهای منطقه در واقع بار بحران اقتصادی خود را بر دوش کشورهای تحت سلطه سرشکن کرده و امکان تنفسی برای خود دست و پا کنند.

با اندکی تأمل روی واقعیت های فوق می توان دید که دخالتهای جمهوری اسلامی در همه نقاط بحرانی منطقه، آن طور که در تبلیغات فریبکارانه مطرح می شود، ناشی از جاه طلبی سردمداران جمهوری اسلامی برای ایجاد یک امپراطوری شیعه و یا "هلال شیعه" و از این قبیل ادعا ها نیست، بلکه برعکس این دخالتها درست در راستای پاسخ به نیاز امپریالیستها و در راستای اجرای مصالح قدرتهای بزرگ می باشد.

روشن است که امپریالیستها برای تسهیل پیشبرد سیاست های جنگی خود و فریب افکار عمومی باید تا می توانند نقش خود را لاپوشانی و نیرو های دیگری را به عنوان مسبب وضع کنونی معرفی کنند. به همین دلیل هم شاهد هستیم که چگونه آنها با باد کردن در لولوی "ایران هراسی" شرایط را جهت پیشبرد سیاست های خود آماده می کنند. امریکا از خروج خود از توافقنامه هسته ای و اعلام بازگشت تحریم هائی که با برجام معلق شده بود نیز در خدمت به چنین سیاستی استفاده می کند.

لازم است همین جا تاکید شود که بر عکس دوران شاه که وابستگی رژیم به امپریالیستها اظهر من الشمس بود و حتی خود رژیم شاه نیز آن را با افتخار تبلیغ می کرد، اما وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها از همان زمان روی کار آمدن این رژیم (بعد از تصمیم قدرتهای بزرگ امپریالیستی در کنفرانس گوادالوپ) فریکارانه لاپوشانی شده است. در چهل سال گذشته شاهد بوده ایم که چگونه در حالیکه جمهوری اسلامی خطوط دیکته شده از سوی امپریالیستها را اجرا می کند، اما پرچم آنها را سوزانده و علیه شان شعار هم می دهد. این وضع، دست دو طرف این معادله را جهت فریبکاری کاملاً باز گذاشته و به تحلیل هائی که منکر این وابستگی می باشند، زمینه لازم برای خود نمائی داده است. تشکیلات ما ضمن آن که در چهل سال گذشته به درستی بر وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها انگشت گذاشته و این واقعیت را با فاکتها و اسناد مختلف به اثبات رسانده است، همواره با تکیه بر تجربه برخورد امپریالیستها با رژیم های دست نشانده اش، از جمله رژیم شاه، روی این امر هم تاکید نموده است که امپریالیستها هیچگاه سرنوشت خود را با سرنوشت سرسپردگان خود گره نمی زنند و هر گاه منافعشان ایجاب کند، حمایت خود را از رژیم مزدور مشخصی بر داشته و با یار گیری تازه ای، دار و دسته جدیدی را بر سر کار می آورند. با این حال، این واقعیت نباید ما را دچار این اشتباه بکند که هر جنگ تبلیغاتی را به طور مشخص از طرف امریکا، جنگی واقعی قلمداد کرده و با هر تبلیغی علیه جمهوری اسلامی همچون برخی نیرو ها، حکم به تغییر حتمی جمهوری اسلامی بدهیم. چنان تبلیغاتی نزدیک به چهل سال است که تکرار می شوند، بدون آن که تا کنون عملی شده باشد. اتفاقاً این روز ها هم با خروج دولت ایالات متحده امریکا از برجام، به رغم این ابراز روشن دولت امریکا که خواهان تغییر جمهوری اسلامی نبوده بلکه خواهان تغییر سیاستها و رفتار این رژیم می باشد، باز هم شاهدیم که برخی از نیرو ها، سیاست کنونی دولت ترمپ را به معنای "رژیم چنج" فهمیده و تبلیغ می کنند. حتی برخی نیرو های مخالف جمهوری اسلامی با دستهای گشاده به سوی امریکا می روند تا از این نم کلاهی برای خود دست و پا کنند. اما توجه به سیاست "ایران هراسی" کنونی نشان می دهد که این امر قبل از اینکه از تصمیم امریکا بر تغییر رژیم در لحظه کنونی حکایت کند، نیاز سیاست این قدرت در منطقه بوده و با توسل به آن امپریالیستها شرایط را جهت پیشبرد خطوط مورد نظر خود در منطقه آماده و کارشان را تسهیل می کنند. تنها نگاهی به فروش بیسابقه تسلیحات نظامی امریکا به عربستان و امارات متحده با دستاویز "اقدامات بی ثبات کننده" جمهوری اسلامی در منطقه، خود گواهی است بر نقش این به اصطلاح "اقدامات بی ثبات کننده" در ثبات دادن به اقتصاد بحرانی ایالات متحده امریکا. همان اقتصاد بحران زده ای که برای نجات آن، رئیس جمهور امریکا عملاً وارد یک "جنگ تجاری" با قدرتهای بزرگ شریک خود نیز شده است.

سیاست "رژیم چنج" و "تحریم ها"!

از آنجا که سیاست "رژیم چنج" صف بندی هائی را در صفوف مخالفین جمهوری اسلامی شکل داده و می دهد و با توجه به تلاشهایی که دستگاه تبلیغات امپریالیستها با باد کردن بر جثه نحیف برخی از نیرو های مخالف جمهوری اسلامی و نمایش آنها به مثابه آلترناتیو دیکتاتوری حاکم شروع کرده است و همچنین با توجه به این واقعیت که خروج امریکا از برجام بطور طبیعی تحریم های این دولت نسبت به ایران را دو باره به صحنه عمل باز می گرداند، و تجربه نشان داده که دود این تحریم ها قبل از هر چیز به چشم مردم ستمدیده ما می رود ضروری است که روی این امر مکتب نمائیم.

اولاً واضح است که در اقتصاد متکی به درآمدهای نفتی ایران، اگر قرار باشد به دلیل تحریم های امریکا، جمهوری اسلامی نتواند نفت صادر کرده و ارز حاصل از آن را بکار گیرد، خیلی زود اقتصاد بحران زده کشور بحرانی تر شده

و فقر و فلاکت مردم فزونی خواهد گرفت. همین الان هم که هنوز تحریم ها شروع نشده با توجه به بحران در سیستم سرمایه داری وابسته ایران، به گفته خود مسئولین دولتی، بیشتر صنایع کشور با ۴۰ درصد ظرفیت خود کار می کنند و دولت از پرداخت حقوق کارمندان خود به بهانه فقدان منابع مالی خودداری می کند. به دلیل کاهش شدید ارزش پول کشور قیمت اجناس مورد نیاز مردم فزونی یافته است. این واقعیات نشانگر آنند که با گذشت زمان شرایط بحرانی در جامعه ایران تشدید خواهد شد. در چنین اوضاع و احوالی سردمداران جمهوری اسلامی همچون همیشه برای حفظ سلطه ضد مردمی خود، مجبورند که نرمش های قهرمانانه خود را به نمایش بگذارند. همانطور که در پروژه هسته ای شاهد بودیم که چگونه همه آن هارت و پورت ها یکباره دود شد و به هوا رفت.

با توجه به بازگشت تحریم ها و نقش بارزی که رژیم در جنگهای موجود در منطقه بر عهده گرفته، بدون شک اوضاع زندگی مردم ما از آنچه که هست هم بدتر خواهد شد و این امر امکان شورش های بزرگ گرسنگان را که در چشم انداز اوضاع کنونی قرار دارد را محتمل می نماید. مسلم است که جمهوری اسلامی در مقابل توده ها ابزاری جز سرکوب ندارد و ناتوانی اش در سرکوب و کنترل مبارزات مردمی، نقطه پایانی است بر حیات ننگین اش. با توجه به این که دشمن اصلی خلقهای ما امپریالیسم می باشد، نیروهای امپریالیستی در صورت عدم موفقیت جمهوری اسلامی در به عقب راندن توده ها جهت حفظ سلطه خویش بر ایران، به راه حل های ضدخلقی دیگر روی خواهند آورد. یکی از راه حل های امپریالیستی "رژیم چنج" می باشد. واضح است و تجربه هم نشان داده که "رژیم چنج" یعنی تغییر دیکتاتوری حاکم به کمک امپریالیستها، هرگز نمی تواند به دمکراسی و به قدرت گیری مردم بیانجامد و در صورتی که چنین امری در ایران اتفاق بیافتد، این امر قلد ر های خشن تری را جایگزین قلد ر های فعلی خواهد کرد. از همین جا نیز آشکار است که نیرو هائی که برای رسیدن به قدرت به "رژیم چنج" یعنی تغییر جمهوری اسلامی به کمک امپریالیستها چشم دوخته اند، فاقد هر گونه هویت دمکراتیک می باشند. اینها نیرو هائی هستند که اگر به فرض به این طریق به قدرت برسند، شرایط بس دهشتناک تری را بر مردم ما تحمیل خواهند کرد. بی شک امپریالیستها آلترناتیوهای ضد خلقی و ارتجاعی دیگری را نیز برای در بند نگاه داشتن مردم ایران تدارک می بینند که بحث در این مورد خارج از حوصله این گزارش می باشد. واقعیت این است که دار و دسته های ضد انقلابی خود را برای ایفای نقش در آینده کشور آماده می سازند. در چنین اوضاعی با توجه به احتمال خیزش های در پیش رو و فقدان یک سازمان یا رهبری انقلابی در صحنه، آن هم در شرایطی که پیروزی قطعی مبارزات کارگران و توده های ستمدیده منوط به وجود یک رهبری انقلابی می باشد، ضروری است ضمن تحلیل شرایط کنونی و مسایلی که امروز در جامعه ایران می گذرد، رهنمودهای مشخصی به توده ها و در رأس آنها طبقه کارگر ایران و به خصوص به عناصر پیشرو این طبقه و روشنفکران انقلابی داده شود.

در رابطه با خارج از کشور، سازمان ما همواره در مقابل تفکری که بودن انسانهای سیاسی و مبارز در خارج از کشور را به معنی بی وظیفه بودن آنها و به عبارتی دیگر سلب انجام هر گونه وظیفه انقلابی از آنها تلقی می کند، ایستاده و بر مسئولیت همه کسانی که دل در گرو طبقه کارگر و دیگر توده های تحت ستم ایران دارند پای فشرده و اهمیت کارهای مبارزاتی ای که می توان در خارج از کشور در جهت کمک به پیشرفت جنبش انقلابی در ایران انجام داد را یادآور شده است. در اینجا به برخی از این وظایف اشاره می شود. یکی از وظایف مهم ما تقویت پیوند های موجود با جامعه متحول ایران و رساندن تحلیل ها و رهنمود های سازمانمان به دست نیروهای انقلابی در ایران است. اهمیت این مورد آنجاست که با گذشت زمان، واقعیت ها بر درستی و واقع بینانه بودن تحلیل ها و نظرات ما مهر تأیید زده و این نظرات، تأثیر انقلابی خود را در زنده نگاه داشتن مارکسیسم و ثنوری انقلابی منطبق با آن در ایران یعنی

تئوری مبارزه مسلحانه ، به جا گذاشته است. بنابراین از این لحاظ سازمان ما دارای گنجینه بزرگی است که باید برای یاری به جنبش انقلابی و پیشبرد آن در اختیار توده های آگاه و مبارزه ایران قرار بگیرد. راه های انجام این وظیفه مهم باید هر چه بیشتر مورد بحث رفا قرار گرفته و قدم های هر چه جدی تر و وسیعتری در این جهت برداشته شود.

لنین در کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک مطرح می کند: "انقلابی گری مبتدل نمی فهمد که حرف هم عمل است." معنی این سخن را به راحتی می توان با مقایسه آنچه ما می گوئیم و می نویسیم با آنچه دیگران می گویند و می نویسند ، متوجه شد. مثلاً می توان به تفاوت آنچه در سرسخن ها و زندگی نامه های مندرج در ماهنامه کارگری چریکهای فدائی خلق منعکس می شود با آنچه نیروهای به اصطلاح چپ در خارج از کشور در مورد کارگران می نویسند ، اشاره کرد. به قول لنین "انقلابی گری مبتدل" اینها را صرفاً نوشته و حرف می خواند که گویا ربطی به عمل ندارد. در حالی که تفاوت بین این دو ، درست تفاوت بین وفاداری به طبقه کارگر و انجام کوشش هائی برای رهائی این طبقه از قید سرمایه از یک طرف و کوشش در اشاعه رفرمیسم در میان کارگران و - خواسته یا ناخواسته - در جهت در بند نگاه داشتن این طبقه از طرف دیگر می باشد. بنابراین اگر از "عمل" صرفاً یک حرکت فیزیکی و یا به طور مشخص عمل مسلحانه مستفاد نشود، می بینیم نیروهای موجود در خارج از کشور هم با حرفها و اشاعه اندیشه هایشان ، عملی انجام می دهند. یکی در جهت کمک به پیشبرد انقلاب توده ها و دیگری در جهت خلاف آن. آگاهی از این امور کمک می کند که رفقای ما جدیت نشر و اشاعه نظرات چریکهای فدائی خلق و رساندن آن به نیروهای انقلابی داخل کشور را هر چه بیشتر متوجه گردند.

از سوی دیگر ارتقای دانش مارکسیستی و نو کردن آموزش از مارکسیسم و در نتیجه مطالعه فردی یا جمعی آثار مارکسیستی، یکی دیگر از وظایف رفقای می باشد که می خواهند به عنوان نیروهای کمونیست مؤثرترین برخوردارها را در جنبش داشته و به سهم خود به پیشبرد آن کمک کنند. لازم است در مورد عملی کردن این موضوع و چگونگی آن بحث بیشتری صورت بگیرد.

ترجمه آثار سازمان به زبانهای دیگر و به خصوص انگلیسی ، از کارهای ضروری دیگر است. به خصوص به وجود آوردن امکان قرار دادن تحلیل هایمان در اختیار توده های هم سرنوشت توده های ما در خاورمیانه و سایر خلقهای تحت سلطه امپریالیسم در جهان و متقابلاً دریافت تحلیل های مبارزین آن کشورها در امر مبارزه کمک رسان می باشد. در این جهت نیز باید کوشا بود.

اما یکی از مهمترین وظایف رفقای ما و همه نیروهای انقلابی در خارج از کشور، ترتیب دادن آکسیون های مبارزاتی به خصوص در شرایط کنونی در دفاع از مبارزات مردم ایران می باشد. در این زمینه مهم است که در جهت کشاندن سایر نیروهای مبارز به این عرصه و ایجاد اتحاد عمل های مبارزاتی بحث و گفتگوی بیشتری صورت بگیرد.

رفقاء!

این گزارش کوشیده است تا توجه نشست را به محور هائی که باید روی آنها بحث شود جلب نماید و در نتیجه تحلیل همه جانبه همه محور هائی که در سیر رویداد ها در آینده نقش آفرین می باشند را در مقابل خود قرار نداده است. بدون شک خرد جمعی که از درون مباحثات نشست حاصل خواهد شد خود مهمترین عامل جهت روشنی بخشیدن به تحلیل های سازمان می باشد. رویداد های جاری و سیر محتمل آنها ، همان طور که پارامترهای بسیار مثبتی را مقابل جنبش انقلابی مردم ما و سازمان ما قرار می دهد ، در همان حال شرایط بغرنجی را شکل داده و می دهد که غلبه بر آنها امر کوچکی نیست. در شرایطی که مبارزات کارگران و توده های ستمدیده می رود تا شرایط مهلکی را بر جمهوری اسلامی تحمیل کند، فقدان رهبری انقلابی در صحن جامعه به پرسش هائی دامن زده که هر روز شنیده می

شود. در چنین شرایطی، با توجه به بازگشت تحریم ها و نقش بارزی که رژیم در جنگهای موجود در منطقه بر عهده گرفته بدون شک اوضاع زندگی مردم ما از آنچه که هست هم بدتر خواهد شد و این امر امکان شورش های بزرگ گرسنگان را که در چشم انداز اوضاع کنونی قرار دارد را محتمل می نماید. بنابراین در شرایطی که دار و دسته های ضد انقلابی خود را برای ایفای نقش در آینده کشور آماده می سازند ، ضروری است که رفقا با تحلیل این اوضاع و روشن نمودن سیر محتمل رویداد ها به این امر بپردازند که با انجام چه فعالیت هائی می توانند در شکل گیری و یا تسریع روند به وجود آمدن یک رهبری انقلابی در متن جامعه ایران ، سهم خود را هر چه بیشتر ایفاء نمایند؟

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

مرکزیت چریکهای فدائی خلق ایران

مرداد [اسد] ۱۳۹۷

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۳۱ ، مهر ماه ۱۳۹۷

یادداشت:

گزارش فوق بدون ویراستاری از جانب پورتال منتشر شده است.

اداره پورتال AA-AA